

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و دوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴ (پیاپی ۴۲)
(ویژه‌نامه زبان و ادبیات فارسی)

منابع و قواعد تعبیر رؤیا در متون حکمی و عرفانی

مختار کمیلی**

دکتر غلامرضا افراسیابی*

دانشگاه شیراز

چکیده

هدف این مقاله، بررسی و بیان منابع و قواعدی است که اهل عرفان و حکمت و معبران، در تأویل و تعبیر رؤیا از آن‌ها استفاده می‌کردند. اگر رؤیا را به یک متن تأویل‌پذیر تشبیه کنیم، دریافت می‌شود که خوابگزاران قدیم، در تأویل این متن، هم به عبارات متن یا نمادها، هم به احوال نویسنده متن و هم به اوضاع تاریخی و شرایط اجتماعی وی نظر داشتند. به سخنی دیگر، خوابگزاری قدما بر سه پایه قرار داشت: نمادهای رؤیا، احوال بیننده رؤیا و شرایط زمانی و مکانی‌ای که رؤیا در آن دیده شده است. خوابگزاران قدیم در تعبیر و تأویل نمادهای رؤیا، به منابع و مأخذی استناد می‌جستند: قرآن مجید و احادیث و امثال، از مهمترین منابع آنان در تعبیر رؤیا بود. یافتن تناسب‌های میان نمادها و معنی آن‌ها، از طریق عقل یا دل نیز از راه‌های پی بردن به مفهوم و معنی صور ظاهر شده در رؤیا، بود. توجه به احوال بیننده رؤیا نیز در تأویل و تعبیر نقش به‌سزایی داشت. از این رو، دین، زبان و حرفه رؤیا بین، به هنگام تعبیر، مورد سؤال قرار می‌گرفت، به جز توجه به احوال شخصی که خواب دیده است، زمان و مکان دیدن رؤیا، در تعبیر و تأویل نقش مهمی ایفا می‌کرد. در این مقاله، ضمن بررسی و تحلیل منابع و قواعد رؤیا از دیدگاه قدما، نظریه‌های روانکاوان معاصر نیز در پاره‌ای موارد، نقل شده است.

واژه‌های کلیدی: ۱. موهوبی بودن دانش خوابگزاری ۲. نماد ۳. تناسبات صور و معانی ۴. کارکرد جبرانی رؤیا ۵. تعبیر به ضد ۶. احوال بیننده رؤیا.

۱. مقدمه

یکی از پدیده‌های شگفت‌انگیزی که از دیرباز، مورد توجه آدمی بوده است، رؤیاست. قدما برای رؤیا ارزش خاصی قائل بودند و آن را، هدیه‌ای از جانب پروردگار برای انسان تلقی می‌کردند. آن‌ها رؤیا را دریچه‌ای به عالم غیب و در نتیجه، وسیله‌ای برای پیشگویی و آگاهی از مغیبات می‌دانستند. علاوه بر پیشگویی، از رؤیا در شناخت بیماری‌ها نیز استفاده می‌شد.

امروزه نیز رؤیا و تعبیر آن، نقش ارزنده خود را در زندگی انسان‌ها حفظ کرده است. فروید و یونگ رویکردهای تازه‌ای به رؤیا دارند و از آن، در گشودن گره‌های روانی و تحلیل درمانی، استفاده فراوان می‌برند. یونگ در کتاب «تحلیل رؤیا» می‌نویسد: «تحلیل رؤیا اساس درمان تحلیلی است؛ زیرا مهمترین ابزار فنی برای راه‌گشایی به ناخودآگاه است» (یونگ، ۳۵: ۱۳۷۷).

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

اریک فرم، در کتاب « زبان از یاد رفته»، رؤیا را از راه‌های ارتباطی ما، با خودمان می‌داند و معتقد است که « اگر زبان رؤیا را درک نکنیم، مطالب متنوعی که در هنگام خواب... به خود می‌گوییم، از دست خواهیم داد» (فروم، ۱۱: ۱۳۶۶).

برای این که از رؤیا بتوان در شناخت خود و یا درمان مشکلات روانی بهره جست، باید با زبان ویژه آن، یعنی رمز آشنا بود؛ چه رؤیا با زبانی به جز زبان متداول در هنگام بیداری با ما راز می‌گوید و با زبان بیداری نمی‌توان از زبان رؤیا و به عبارت مولانا از « گفت خواب » بویی برد:

تا به گفت و گوی بیبیداری دری تو ز گفت خواب بویی کی بری

(مولوی، ۳۶: ۱۳۷۹)

رمز یا نماد چیست و چه تفاوتی با نشانه و علامت دارد؟ راجع به رمز یا سمبل (نماد) تعریف‌های متعددی شده است. در کتاب « انسان و سمبول‌هایش»، در تعریف نماد چنین آمده است: « آنچه ما نمادش می‌نامیم، یک اصطلاح است، یک نام یا نمایه‌ای که افزون بر معانی قراردادی و آشکار و روزمره خود، دارای معانی متناقضی نیز می‌باشد. نماد شامل چیزی گنگ، ناشناخته و پنهان از ماست» (یونگ، ۱۶۴: ۱۳۷۷).

چکیده کلام این که زبان رؤیا، زبانی رمزی و سمبولیک است و برای درک و فهم رؤیا، باید رمزها و نمادهای آن را تحلیل و به اصطلاح قدما، تعبیر و تأویل کرد.

واژه تعبیر از ماده « عبر» به معنی تجاوز و گذشتن است و وجه کاربرد آن، در معنی رمز گشایی رؤیا این است که خواب‌گزار از ظاهر رؤیا و نمادها می‌گذرد و به معنی یا معانی باطنی و پنهان آن‌ها می‌رسد.

تأویل از ماده « اول» به معنی بازگشت و رجوع به اصل گرفته شده، نیز گاهی در معنی تعبیر خواب به کار می‌رود. در قرآن مجید، کاربرد تأویل در معنی تعبیر خواب در آیات ۶، ۲۱، ۴۴ و... سوره یوسف دیده می‌شود. تأویل به جز معنی تعبیر خواب، در معانی دیگر هم به کار می‌رود برای نمونه گاه تأویل در برابر تنزیل آمده است. صوفیه و باطنیان که قائل به بطن‌هایی برای آیات قرآنند، به تأویل آیات می‌پردازند. آنان ظاهر قرآن را تنزیل و باطنش را تأویل می‌گویند. بنابراین، به طور کلی می‌توان گفت: تعبیر اخص از تأویل است.

سوآلی که در این جا مطرح می‌شود، این است که برای پی بردن به معانی رموز یا نمادهای رؤیا، یا به عبارت دیگر، برای تعبیر و تأویل و تحلیل رؤیا، از چه منابع و قواعدی می‌توان بهره جست؟

امروزه، روانکاوان از روش‌ها و قواعد متعددی برای تحلیل رؤیا استفاده می‌کنند که از آن جمله، روش « تداعی معانی» فروید و قاعده « کارکرد جبرانی» یونگ است. خواب‌گزاران مسلمان و عارفان نیز در تعبیر رؤیاها، از روش‌ها و منابعی بهره می‌برند که در این مقاله، تلاش می‌شود، با استناد به متون خواب‌گزاری و حکمی و عرفانی، به پرسش بالا به طور خلاصه، پاسخ داده شود.

۲. منابع و قواعد تعبیر رؤیا از دیدگاه قدما

از دیدگاه قرآن، دانش خواب‌گزاری، دانش ارجمندی است که خداوند، خود آن را به حضرت یوسف (ع) آموخت، در آیات ۶، ۲۱، ۱۰۱، سوره یوسف (ع) که خداوند آشکارا آموزش تعبیر و تأویل به یوسف را به خود او نسبت می‌دهد، دانش خواب‌گزاری در ردیف امور بزرگی چون برگزیدگی از جانب خداوند و حکومت و مکانت بخشیدن به او قرار گرفته است.

به همین سبب، در جامعه اسلامی، دانش خواب‌گزاری مورد توجه اهل نظر قرار گرفت و راجع بدان آثاری تألیف شد و در سازمان و نظام علوم، جایگاه ویژه‌ای یافت. ابن‌خلدون در « مقدمه» خود، دانش خواب‌گزاری را از دانش‌های شرعی دانسته است (ابن‌خلدون، ۹۹۲: ۱۳۷۵). اخوان الصفا انواع علوم را به سه دسته: ریاضی، شرعی وضعی و فلسفی

حقیقی تقسیم می‌کنند و دانش خوابگزاری را از انواع علوم شرعی به حساب می‌آورند (حلبی، ۱۲۹: ۱۳۷۹). در کتاب «دره‌التاج» دانش خوابگزاری در زمره فروع علم طبیعی معدود شده است (قطب‌الدین شیرازی، ۱۵۵: ۱۳۶۵). در آثار نوشته شده در باب تعبیر رؤیا، قواعد و قوانینی کلی بیان شده که خوابگزار باید به آن‌ها احاطه داشته باشد و به حسب اقتضای موقعیت، از آن‌ها در گزاردن و تعبیر رؤیا بهره جوید. ابن خلدون در «مقدمه» می‌نویسد:

«علم تعبیر خواب، احاطه یافتن به قوانین و قواعدی کلی است که خوابگزار هر آنچه بر او حکایت می‌شود، تعبیر و تأویل آن‌ها را بر آن قوانین مبتنی می‌سازد... خوابگزار این قوانین کلی را در نظر می‌گیرد و در هر مقام، به حسب اقتضای قرآنی که نشان می‌دهند قوانین مزبور برای رؤیا مناسب‌تر و سزاوارتر است، خواب را تعبیر می‌کند» (ابن‌خلدون، ۹۹۸: ۱۳۷۵).

با این که برای تعبیر رؤیا، قواعد و منابعی بیان شده است، باید این نکته را در نظر داشت که به زعم قدما، تعبیر خوابگزاران قطعی نیست؛ بلکه جنبه حدسی و تخمینی دارد؛ چه مناسبات میان نهادها و رموز رؤیا با معانیشان بی‌شمار است و به ضبط در نمی‌آید؛ بنابراین، ممکن است، مناسبتی در هنگام تعبیر از چشم خوابگزار دور مانده باشد: «علم تعبیر را نمی‌توان ضبط نمود و به قانون درآورد؛ بلکه این علم تعبیر را حدس صائب و انتقال صحیح می‌خواهد که بعد از شنیدن خواب، با ملاحظه وقت و اشخاص و مکان و معاشران منتقل شود، از صورت خواب به آنچه مناسب آن است در خارج و از این جهت است که هیچ یک از معبران، میزان درستی برای تعبیر ننوشته‌اند» (سلطانعلی‌شاه گنابادی، ۱۹: ۱۳۱۸).

این سخن سلطانعلی‌شاه، ریشه در نظریه‌های حکمای پیش از او دارد. حکمایی چون ابن‌سینا، امام محمد غزالی و... معترفند که تعبیر خوابگزاران قطعی نیست و اساس آن‌ها حدس و تخمین است؛ ابن‌سینا، در کتاب طبیعیات دانشنامه علایی، می‌نویسد:

معنی تعبیر آن بود که گویی چه چیز دیده باشم، از عالم غیب، تا متخیله از وی به چیزی دیگر شد برای نمونه چه دیدم تا متخیله او را به درختی کرد. پس بیشتر، تعبیر به تخمین بود و به تجربت‌ها به جای آورند (ابن‌سینا، ۱۳۴: ۱۳۳۱).

امام محمد غزالی نیز در مقاصد الفلاسفه بر جنبه حدسی بودن تعبیر و راه یافتن اشتباه و التباس در آن تأکید می‌ورزد. به عقیده وی. «خوابگزار، به تعبیر خواب، مگر با نوعی حدس و گمان نمی‌رسد و در تعبیر او اشتباه و التباس غلبه دارد» (غزالی، ۴۷۷: ۱۱۱۹).

ابن‌سیرین نیز که خوابگزاری‌های او، سرمشق تعبیر خواب معبران اسلامی قرار گرفته، اذعان کرده است که تعبیرهای او قطعی نیست و امکان لغزش و خطا در آن‌ها وجود دارد. در کتاب «بهجه‌المجالس» از قول هشام بن حسان، در این باره عبارتی آمده که نقل به ترجمه می‌شود: «هشام بن حسان گفت: صد رؤیا از ابن‌سیرین پرسیده شد و او جواب آن‌ها را نمی‌داد؛ مگر این که می‌گفت از خداوند بترسید و در هنگام بیداری نیکی کنید... و می‌گفت من به ظن و گمان تعبیر می‌کنم و ظن و گمان گاه به صواب و گاه به خطا می‌رود» (القرطبی، ۱۴۸: بی تا).

از این سخن ابن‌سیرین، می‌توان در موهوبی بودن علم تعبیر خواب که بعضی، و از جمله شیخ عباس قمی، در هدیه‌الاحباب، برای وی قائل شده‌اند، تردید کرد؛ چه در دانش موهوبی، ظن و خطا وجود ندارد. در تأیید این نظریه که تعبیر ابن‌سیرین موهوبی نبوده؛ بلکه وی با مطالعه کتب تعبیر و ممارست، توانایی تعبیر رؤیا را پیدا کرده است، می‌توان به این گفته وی استناد کرد: «ابن‌سیرین گوید: بر معبر واجب است که پرهیزگار و پاکدین باشد... و اندر مطالعه کردن کتاب‌های تعبیر جهد کرد» (حبیش‌تفلیسی، ۱۵: ۱۳۶۹).

این باور قدما که تعبیر رؤیا جنبه حدسی دارد، همسو با نظریه روانکاوان معاصر است. امروزه نیز در مکاتب روانکاوی، تحلیل رؤیاها قطعی نیست و ممکن است، برای اصلاح تحلیلی، روانکاو به تحلیل رؤیاهای بیشتری از بیننده

خواب بپردازد، یونگ از کسانی است که در آثار خود، در موارد متعدد به عدم اطمینان خود، از درستی تحلیل‌هایش اشاره می‌کند. وی در کتاب «انسان در جستجوی هویت خویش» می‌نویسد: «هر تعبیر و تفسیری یک نظریه است. یک تلاش در جهت کشف رمز یک کتیبه ناشناخته، به ندرت می‌توان رؤیایی را دریافت که علی‌رغم سادگی و کم‌ابهام بودن، با کمترین اطمینانی تعبیر شده باشد، از این رو، من به تعبیر و تحلیل یک رؤیا بسنده نمی‌کنم» (یونگ، ۲۹۳: ۱۳۸۰).

چکیده کلام این که قدمای برای گزاردن رؤیایها، هر چند گزارش و تعبیری حدسی و تخمینی، منابع و قواعدی کلی را مد نظر داشتند. طبق مندرجات کتب پیشینیان، خوابگزاران برای کشف معنی رؤیا، از سه جهت بدان می‌نگریستند: نمادهای رؤیا، احوال بیننده رؤیا و زمان و مکان دیدن رؤیا.

۱.۲. منابع و تعبیر نمادهای رؤیا

معبران اسلامی، برای پی بردن به مفهوم و معنی نهاد، به منابعی رجوع می‌کردند. قرآن مجید و احادیث و امثال، مهمترین منابع آن‌ها در یافتن معنی رمزهای رؤیا بود. علاوه بر این منابع، اندیشیدن در نمادها و ملزومات آن‌ها و به عبارتی دیگر، یافتن مناسباتی بین رمزها و رموزاتشان، از طرق دیگر، تعبیر رؤیا به شمار می‌آمد. توجه به افعال طالب تعبیر و فال زدن و... نیز از راه‌هایی بود که معبران در گزاردن رؤیایها، از آن استفاده می‌کردند و به دلیل بی‌اهمیتی‌شان در روزگار ما، در این مقاله بررسی نمی‌شوند. مؤلف ناشناخته یواقیت العلوم (۱۳۴۵) منابع و مراجع تعبیر رؤیا را، در پاسخ این سؤال که: «اصول تعبیر از چند چیز باید گرفتن» چنین برشمرده است: «جواب: از شش چیز، کتاب خدای تعالی و حدیث پیغامبر(ع) و مثل و عدد و فال و افعال پرسنده» (جامع‌العلوم، ۱۹۴: بی‌تا).

۱.۱.۲. تعبیر بر اساس آیات قرآن: قرآن مجید در همه امور زندگانی مسلمانان و در انواع دانش‌های آن‌ها تأثیر ژرفی نهاد. دانش تعبیر خواب هم از این قاعده کلی برکنار نیست، اتفاقاً تأثیرش از آیات قرآن مجید بسیار است. فخرالدین محمد رازی، در کتاب «التحیر فی علم‌التعبیر»، به روشنی معروض می‌دارد که خوابگزار برای تعبیر رؤیا، باید نخست در آیات کلام‌الله مجید بنگرد، اگر دلالت آیات، معنای رؤیا را گشود، به معیاری دیگر نیاز نیست (رازی، ۳۴: ۱۳۵۴).

این قاعده احتمالاً از ابن‌سیرین اخذ شده است؛ چه وی در کتاب «التعبیرالرؤیا» بدین منبع اشاره کرده و شواهدی برای آن آورده است که ترجمه آن چنین است (ابن‌سیرین، ۲: ۱۳۱۵)^۱

اما تعبیر از قرآن، مانند بیضه‌های شترمرغ که از آن به زنان تعبیر می‌شود؛ زیرا خداوند گفته است: کانهن بیض مکنون، (صافات آیه ۴۹) (ترجمه: گویی ایشان بیضه‌های شترمرغ نهفته‌اند) و مانند سنگ که از آن به قساوت تعبیر می‌شود؛ زیرا خداوند فرموده است: ثم قست قلوبکم... (بقره، ۷۴) (سپس دل‌هایتان پس از آن سخت شد همانند سنگ یا از آن سخت‌تر).

چنانکه ملاحظه می‌شود، دلیل ابن‌سیرین برای تعبیر نماد: «تخم شترمرغ» به زن و سنگ به قساوت، تشبیه زنان به تخم شترمرغ و تشبیه قساوت دل، به سنگ در قرآن مجید است.

قرآن به عنوان منبعی برای دریافت معنی نمادهای رؤیا، فراوان مورد استفاده ابن‌سیرین و خوابگزاران بعد از او قرار گرفته است. در کامل‌التعبیر حبیب‌تفلیسی حکایت زیر که بیانگر استفاده فراوان خوابگزاران مسلمان از قرآن مجید در تعبیرشان است، نقل شده است:

«مهدی ابن‌منصور، شبی به خواب دید که روی او سیاه شده بود. چون بیدار شد از معبران تعبیر خواب خود را خواست و آن‌ها فرو ماندند و گفتند ابراهیم ابن‌عبدالله کرمانی، در علم تعبیر استادتر از همه ماست. به دستور مهدی، ابراهیم را حاضر کردند. ابراهیم گفت: تو را دختری آید.

معبران گفتند: چگونه؟ ابراهیم گفت: از قول خدای تعالی: و اذا بشر احد هم بالانثی ظل وجهه مسوداً و هو کظیم در آن روز مهدی را دختری آمد « (حبیش تفسیسی، ۶۰: ۱۳۸۰).
نمونه‌های دیگری از تعبیر که منبع آن‌ها، آیات قرآن مجید است، نقل می‌شود:
« اگر کسی رودخانه خشک در خواب ببیند، به حج رود، قوله تعالی: الم ترانهم فی کل و ادیهیمون » (محمدباقر مجلسی، ۱۵: بی‌تا).

سیل: اگر در خواب ببیند که سیل به خانه یا به کوچه در شد، دلیل گشایش است. قوله تعالی: ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر (ترجمه: آنگاه درهای آسمان را به آبی سیل‌آسا گشودیم) (حبیش تفسیسی، ۲۹۸: ۱۳۸۰).

۲.۱.۲. تعبیر بر اساس حدیث: احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع) نیز چون آیات قرآن مجید، تأثیر ژرفی بر زندگی مسلمانان داشته است. در دانش خوابگزاری اسلامی، تعبیر بسیاری از رؤیاهای بر بنیاد کلام نبوی گذارده شده است. ابن‌سیرین، احادیث پیامبر را از مراجع و منابع تعبیر رؤیا می‌داند و برای آن، شواهدی می‌آورد:

اما تأویل از حدیث رسول خدا (ص)، مانند زانگ که از آن به مرد فاسق تعبیر می‌شود؛ زیرا رسول خدا، آن را فاسق نامیده و مانند موش که تعبیر آن، زن فاسق است؛ چه پیامبر فرمود که موش فاسق است ... (ابن‌سیرین، ۳: ۱۳۱۵).

خوابگزاران دیگر نیز به تبعیت از ابن‌سیرین و با استناد به احادیث، برای نمادهای رؤیا، قائل به معنی یا معانی شده‌اند، در کتب تعبیر خواب، شواهدی برای این منبع تعبیر و تأویل می‌توان یافت:

« اما بیرون آوردن تعبیر از اخبار رسول (ص) مثل آن باشد که اگر کسی مار یا موش یا زغن یا غراب یا عقرب اندر خواب ببیند، آن جمله دلالت بر مردمان فاسق کند، از بهر آن که پیغمبر (ص) این پنج حیوان را فاسق خوانده است و به قتل ایشان فرموده است؛ از بهر آن که ایشان به طبع مفسدانند » (رازی، ۳۵: ۱۳۵۴).

« جابر مغربی: بند در خواب ثبات دین است؛ به قول پیغمبر که فرمودند: احب العقال فی النوم لان العقال ثبات فی الدین یعنی دوست دارم پای بند را در خواب؛ زیرا که پای بند، ثبات و استواری در دین است » (تفسیسی، ۱۲۵: ۱۳۸۰).

۲.۱.۳. تعبیر بر اساس مثل: یکی دیگر از منابع تعبیر رؤیا، امثال متداول در جامعه است. ابن‌سیرین ضمن اشاره بدین منبع دریافت پاره‌ای از تعابیر، برای آن شواهدی نقل می‌کند: « تأویل از امثال سایر، مانند احتطاب (گردآوری همیشه) که از آن به سخن چینی تعبیر می‌شود؛ زیرا مردم به کسی که میانشان سخن چینی می‌کند، به مثل گویند: او همیشه گرد می‌آورد » (ابن‌سیرین، ۳: ۱۳۱۵).

شواهدی که برای تعبیر رؤیا بر پایه امثال در کتب خوابگزاری فارسی و از جمله در « کامل‌التعبیر » و « التحبیر فی علم‌التعبیر » آمده، چون ترجمه امثال تعبیرالرؤیاهای عربی‌اند برای فارسی زبانان غریب می‌نماید؛ زیرا ضرب‌المثل‌های هر جامعه‌ای مختص بدوست و در جوامع دیگر، سایر و روان نیست؛ برای نمونه دیدن زرگر در « التحبیر فی علم‌التعبیر » به مرد دروغ‌زن تعبیر شده است؛ زیرا میان عرب این مثال سایر است که فلانی قالب دروغ می‌ریزد:

« و مثال آن باشد که دیدن صانع، یعنی زرگر اندر خواب، دلالت بر مردی دروغ‌زن کند؛ از بهر آن که در مثال عرب مشهور است که گویند: فلان یصوغ الکذب » (رازی، ۳۶: ۱۳۵۴).

استفاده از امثال در تعبیر رؤیا به خوابگزاری اسلامی اختصاص ندارند؛ بلکه روانکاوان معاصر نیز در تحلیل رؤیاهای از آن بهره می‌برند. یونگ، چنان‌که خود در کتاب « انسان و سمبول‌هایش » گفته، یکی از رؤیاهای خود را با توجه به مثل تحلیل کرده است:

وی در رؤیا شخصی را دید که می‌خواست، به کولش بپرد. تعبیر به « کول پریدن » این شخص که سخنان یونگ را تحریف کرده بود، برای یونگ دشوار بود. سرانجام، وی با توجه به ضرب‌المثل اتریشی: « تو می‌توانی بر پشت من سوار

شوی « که مفهومی این است: «برایم مهم نیست درباره من چه می‌گویند» به مفهوم و معنی رؤیایش پی برد. (یونگ، ۱۳۷۷: ۵۱).

۲.۱.۴. **تعبیر بر اساس تناسبات:** در کار تعبیر رؤیا، به جز دریافت و آشکار کردن تعبیر رؤیا، از منابع و مراجعی چون قرآن کریم و احادیث پیامبر و امثال سایر و متداول در جامعه، که می‌توان از آن‌ها به دلایل نقلی یاد کرد، اندیشه و تفکر خوابگزار نیز دلالت دارد. چون کار متخیله و سرشت آن بر انتقال از صورتی به صورت دیگر و محاکات نهاده شده است و متخیله در محاکات خود، یا از شیء به شیء شبیه و ملازم آن و یا به شیء متضاد آن منتقل می‌شود؛ اندیشه معبر در هنگام تعبیر رؤیا، باید بر عکس عمل متخیله حرکت کند و از نماد و رمز ظاهر شده در رؤیا، به اصل و حقیقت رموز آن برسد؛ به عبارات ابن‌خلدون در این باره توجه فرمایید:

« اما درباره تعبیر خواب باید دانست که روح عقلی هرگاه مفهومی را ادراک کند و آن را تصور کند؛ البته آن را در صورت‌هایی تصویر می‌کند که تا حدی مناسب آن معنی باشد؛ چنان‌که روح عقلی، معنی شاهنشاه را درمی‌یابد و خیال، آن را به صورت مار تجسم می‌کند؛ بنابراین، هنگامی که شخص از خواب بیدار می‌شود و از عالم رؤیای خویش، به جز دیدن دریا یا مار به یاد ندارد، در این هنگام خواب‌گزار «معبر» می‌اندیشد و به قوت تشبیه، یقین می‌کند که دریا صورتی محسوس است و صورتی ادراک شده در ماورای آن است... و می‌گوید تعبیر آن شاهنشاه است؛ زیرا دریا آفریده‌ای عظیم است که تشبیه سلطان بدان مناسب است و همچنین تعبیر مار به دشمن، به علت بزرگی زبان آن متناسب می‌باشد... » (ابن‌خلدون، ۹۹۶: ۱۳۷۵).

درک تناسب بین صورت‌های ظاهر شده در رؤیا و معنی اصیل آن‌ها، خالی از دشواری نیست و هر کسی نمی‌تواند بدان بپردازد. راز شیرازی معتقد است که تعبیر خواب، درخور هرکس نیست؛ بلکه این دانش، مخصوص حکیم عارفی است که به تناسبات اشیاء آگاهی داشته باشد. وی در علت تعبیر رؤیای شیر (لبن) به علم، به تناسب موجود بین این دو اشاره می‌کند و می‌نویسد:

« اگر انسان در خواب ببیند که شیر می‌آشامد، آن حکیم عارف، تعبیر می‌کند که می‌باید علمی به تو عاید شود و باعث این تعبیر آن است که عارف حکیم می‌داند که شیر، اول غذایی است که تربیت می‌نماید بدن انسان را چنانچه اطفال را قبل از غذا خوردن، دو سال به شیر مادر تربیت می‌نمایند، و نیز می‌داند که علم، اول غذایی است که روح را تربیت می‌نماید؛ لهذا آن حکیم عارف، شیر را به علم تعبیر می‌نماید» (راز شیرازی: ۱۳: بی‌تا).

نظر به همین تناسب میان صورت نماد ظاهر شده در رؤیا و معنی اصیل آن است که فخرالدین محمد رازی، دیدن طبیب در خواب را به فقیه و رؤیت فقیه را به طبیب تأویل می‌کند؛ زیرا میان این دو مناسبت مداوا و درمان وجود دارد؛ یکی مداوای امراض ظاهری بیمار می‌کند و دیگری، درمان ناراحتی‌های روحی او را (فخرالدین رازی، ۳۴: ۱۳۴۵).

گاه معبران نمادهای رؤیا را به ضد آن تعبیر می‌کنند؛ این بدان سبب است که قوه متخیله در تمثیل و محاکات خود، گاه از شیء به ضد آن منتقل می‌شود، در «حیات النفوس» درباره این عمل متخیله که باعث می‌شود تعبیر خوابی بر عکس ظاهر آن باشد، آمده است:

« همچنان‌که این قوت (متخیله) از مثل به مثل... نقل کند، از ضد به ضد نقل کند؛ همچنان‌که کسی او را فرزندی در راه بود و در خواب ببیند که او را پسری آمده و چون فرزندش بزاید دختر بود» (ریزی، ۲۶۱: ۱۳۵۷).

تعبیرگریه به خنده و تعبیر بندگی به آزادی، بر اساس همین ضابطه صورت گرفته است. سنایی در حدیقه الحقیقه

می‌نویسد:

گریه در خواب مایه شادیست
خنده، اندوه باشد و اهـ سوال
بندگی از مذلت آزادیست
خامشی، بستن دل اندر مال

(سنایی، ۱۲۰: ۱۳۷۴)

امروزه نیز در مکاتب روانکاوی، تعبیر و تحلیل رؤیا به ضد آن، رایج است. تحلیل‌گران معاصر معتقدند که ناخودآگاهی آدمی، گاه، چیزی را توسط ضد آن می‌نماید و تصویر می‌کند. در کتاب «رمز و مثل در روانکاوی» در این مورد آمده است: یکی از قوانین ناهشیاری این است که گاه چیزی توسط ضد آن نموده می‌شود؛ چنانکه در خواب چنین است. (ستاری، ۸۳: ۱۳۶۶)

نظریه «کارکرد جبرانی رؤیا» که یونگ مطرح کرده است نیز در راستای همین قاعده «تعبیر به ضد» است. در کتاب «رؤیا، حماسه، اسطوره» راجع بدین نظریه چنین آمده است:

«کارکرد جبران» در روان آن چنان است که در برابر هر خوی یا منش با ویژگی روانی که از هنجار بدر رفته است و بسامانی و همبستگی را در خطر افکنده است «پادسنگ» یا خوی و منش و ویژگی یکسره ناساز با آن را در رؤیا به شیوه‌ای نمادین بر می‌آورد و پیکر می‌بخشد تا ترازمندی و همسنگی در ویژگی‌های درونی که بسامانی و هنجارمندی در گرو آن است، برقرار بماند» (کزازی، ۸۵: ۱۳۷۶).

نتیجه‌ای که تحلیل‌گر رؤیا از این عملکرد روان می‌گیرد، این است که با تعبیر رؤیا، به ضد آن، می‌توان به حالات و مشکلات روانی بیننده خواب پی برد. تعبیری که دانیال (ع) از رؤیای بخت‌النصر کرد و در تورات آمده است، شاهد خوبی برای کارکرد جبرانی رؤیا و تحلیل رؤیا بر اساس آن است. بخت‌النصر که دچار جنون عظمت‌طلبی شده بود، خواب درخت سر به آسمان کشیده‌ای را می‌بیند که پاسبانی آسمانی، درباره آن چنین دستور می‌دهد: «درخت را ببرید، شاخه‌هایش را قطع کنید و برگ‌هایش را بیفشانید و میوه‌هایش را پراکنده سازید... دل او از انسانیت تبدیل شود و دل حیوان بدو بدهند...».

دانیال با توجه به عملکرد جبرانی روان، رؤیای بخت‌النصر خودکامه را چنین می‌گزارد: ای پادشاه!... [خداوند] تو را از میان مردمان خواهد راند و مسکن تو با حیوانات صحرا خواهد بود و تو را مثل گاوان علف خواهد خوراند...» (کزازی، ۸۷: ۱۳۷۶).

در این رؤیا، کارکرد جبرانی، از پادشاه خودکامه و مستبد، حیوانی ساخته است که علف می‌خورد و با حیوانات بیابانی زندگی می‌کند.

۵. ۱. ۲. آفاقی یا انفسی بودن معنی نمادها: یکی از نکته‌های نغز و جالبی که در نظریه عارفان در باب رؤیا دیده می‌شود، این است که اهل عرفان رؤیا را سخن گفتن شخص با خود می‌دانند، بنابراین، رؤیا از این دیدگاه، به شخصیت و روان خود شخص مربوط می‌شود. جلال‌الدین محمد بلخی در مثنوی شریف می‌فرماید:

نی تو گویی هم به گوش خویشتن
نی من و نی غیر من ای هم تو من
همچو آن وقتی که خواب اندر روی
تو ز پیش خویش به پیش خود شوی
بشنوی از خویش و پنداری فلان
با تو اندر خواب گفته است آن نهان

(دفتر سوم، ۱۲۹۹-۱۳۰: ۱۳۷۹)

بر اساس این عقیده، ابوالقاسم راز شیرازی در رساله منامیه، نظریه آفاقی بودن یا انفسی بودن رمزهای رؤیا را مطرح می‌کند: به زعم وی، نمادهای رؤیا دو گونه‌اند: نمادها یا رمزهای انفسی و نمادهای آفاقی. در واقعات و رؤیاهای آفاقی احوال اشخاص عالم آفاق مشاهده می‌شود؛ ولی در رؤیاهای انفسی، شخص به دیدار خودش می‌رود و خویشتن خود را، در رؤیا ملاحظه می‌کند. وی درباره «واقعات انفسی» می‌نویسد:

« واقعات انفسیه آن است که آنچه می‌بیند و مشاهده می‌نماید در خواب خود، احوال روح و نفس و بدن و مراتب ظاهر و باطن خود اوست که در لوح باطن خود دیده است و خودش هم از تعبیرات آن‌ها خبر ندارد » (راز شیرازی، ۱۹: بی‌تا).

بنابراین خوابگزار در تعبیر رؤیاها بدین نکته هم باید توجه داشته باشد، چه رمزی واحد، با توجه به این ضابطه، دو تعبیر کاملاً متفاوت خواهد داشت در واقعات آفاقیه اگر آسمان ببیند، سلطنت پادشاه است و حالات نیک و بدش و... ولیکن در واقعات انفسیه، نه چنین است اگر آسمان ببیند عالم قلب سالک است (همان، ۲۰).

۲.۲. توجه به احوال بیننده خواب

معبران در دریافت و آشکار کردن معنی و مفهوم رمزهای رؤیا، باید به احوال شخص بیننده رؤیا هم نظر کنند؛ چه نمادی واحد یا رؤیایی واحد، در پیوند با احوال مختلف بینندگان آن، دو تعبیر و تأویل متفاوت یا متضاد را می‌طلبند. در بادی امر، چنین به نظر می‌رسد که ممکن نیست یا بعید است که دو نفر رؤیایی واحد ببینند؛ ولی یونگ که سالیانه هزاران رؤیا را تحلیل می‌کرد، با استناد به رؤیاهای مراجعاتش، این رویداد را ممکن دانسته است. وی در کتاب «انسان و سمبول‌هایش» می‌نویسد: «دو آدم متفاوت، ممکن است، تقریباً به طور دقیق و یک خواب ببینند این رویداد بر خلاف باور افراد ناآگاه و بر مبنای مشاهدات و تجربه‌های بالینی، زیاد هم نادر نیست» (یونگ، ۹۳: ۱۳۷۷).

به عقیده یونگ، رؤیای واحدی که دو نفر می‌بینند، دو تعبیر متفاوت دارد و تعبیر یکسان آن‌ها احمقانه است. وی برای روشن کردن این مطلب، رؤیای واحدی که دو نفر، یکی پیری جسور که به بیماری مبتلا شده و از دستورات پزشکی سرپیچی می‌کند و دیگری، جوانی درون‌گرا و محتاط دیده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌آورد و آنگاه تعبیر متفاوت رؤیای واحد این دو را بیان می‌کند. رؤیای این دو چنین است: «عده‌ای سوارکار جوان از میان محوطه‌ای گسترده می‌گذرند. خواب بیننده که پیشاپیش همه می‌رود، به دشواری از روی گودالی پر از آب می‌پرد؛ اما دیگران درون آب می‌افتند».

تعبیر یونگ از این رؤیای واحد با توجه به سن و صفات و بیننده رؤیا، چنین است: «خواب، مرد جوان را به غلبه بر تردیدها تشویق می‌کرد؛ در حالی که پیرمرد، نیازی به تشویق از این دست نداشت. ذهن آزار دهنده او، هنسوز فعال بود و بزرگترین دشمنش شده بود» (یونگ، ۹۳: ۱۳۷۷).

در متون خوابگزاری اسلامی، نمونه‌های فراوانی از تعبیر مختلف رؤیای واحدی که دو نفر دیده‌اند، ضبط شده است. ابن‌سیرین رؤیای «اذان گفتن» را که دو نفر دیده بودند، با توجه به احوال بینندگان، به دو گونه متضاد تعبیر کرد:

«مردی از ابن‌سیرین سؤالی کرد که به خواب دیدم که اذان گفتم. ابن‌سیرین گفت: تعبیرش این است که به حج می‌روی. در همان وقت مرد دیگری به او گفت که در خواب اذان می‌گفتم. ابن‌سیرین گفت: تعبیر خوابت این است که تو را به دزدی متهم سازند. شاگردان گفتند: یا استاد! در یک ساعت، یکی را تعبیر حج کردی و دیگری را متهم به دزدی و صورت هر دو خواب یکی بود. پس علت چیست؟ ابن‌سیرین گفت: درون یکی را، خیر دیدم [گفتم] حج گذاری و "اذن فی الناس بالحج یا توک رجالا" و بر آن دیگری، سیمای بد دیدم و گفتم تو را به دزدی متهم کنند: "تم اذن مؤذن ایته‌العیرانکم لسارقون"» (حبیش تفلیسی، ۵۲: ۱۳۸۰).

عواملی که به اعتقاد قدما باعث می‌شوند، تعبیر نمادی واحد، عوض شود و بگردد، مختلفند. صاحب یواقیت‌العلوم «پاسخ این سؤال که اعتبار تعبیر به چند چیز بگردد؟» می‌نویسد: «جواب به شش چیز: به اختلاف لغات و اختلاف ادیان و اختلاف صناعات و اختلاف مکان و اختلاف زمان و احوال» (یواقیت‌العلوم، ۱۹۳: ۱۳۴۵).

۱. ۲. ۲. لغت (زبان) بیننده خواب: یکی از عواملی که باعث می‌شود تا نمادی واحد، در رؤیای دو نفر، دو تأویل و تعبیر مختلف داشته باشد، عامل زبان است. می‌توان بر این باور بود که قوه متخیله در محاکات و تمثیل صور و مفاهیم ادراکی نفس، به الفاظ متداول میان اهل زبان هم نظر دارد و از این رو، خوابگزار باید در کار تعبیر رؤیا، بدان توجه کند؛ برای نمونه اگر فارسی‌زبانی و عربی‌زبانی، هر دو، در رؤیاهای خود، میوه "به" را رؤیت کنند، تعبیر این نماد واحد برای این دو یکسان نیست؛ چه الفاظی که در این دو زبان بر این دو میوه، دلالت دارند متفاوتند. فخر رازی در «جامع‌العلوم» می‌نویسد: «اگر پارسی زبان، "آبی" در خواب ببیند کار او به شود؛ زیرا که آبی را بهی می‌گویند و اگر تازی زبان باشد، او را سفری افتد و در آن سفر، رفعت یابد؛ زیرا که در تازی، آبی را سفر جل گویند» (فخر رازی، ۱۰۰: بی‌تا).

۲. ۲. ۲. دین و نژاد بیننده خواب: یکی از عواملی که باعث می‌شود نمادی واحد، در دو رؤیا، تعبیر مختلف داشته باشد، اعتقادات و نژاد بیننده خواب است. چه متخیله هر کسی در محاکات و تمثیل صور به اعتقادات وی هم نظر دارد، برای نمونه، نماد و رمز شتر، برای یهودی و مسلمان تعبیر یکسانی ندارد؛ اگر یهودی خواب ببیند که گوشت شتر می‌خورد، تعبیرش آن است که روزی حرام و مکروه خورد؛ در حالی که همین رؤیا برای غیر یهودی، به روزی حلال تعبیر می‌شود (یواقیت‌العلوم، ۱۹۴: ۱۳۴۵).

به سبب تأثیر دین و اعتقادات در کیفیت صور و نمادهای رؤیا، معبران قبل از شروع تعبیر و رمزگشایی از رموز رؤیا، از دین صاحب رؤیا سؤال می‌کردند و بر بنیاد آن، خواب را می‌گزاردند. سنایی اختلاف در نژاد را نیز عاملی برای دگرگونی تعبیر رؤیای واحد می‌داند. وی قائل است که تعبیر نوشیدن شراب و مستی حاصل از آن، در رؤیا، برای عرب بد و برای ایرانی، سرفرازی و بهروزی است:

مستی و بی‌خودی و شرب شراب	آن که تازی است بد بود در خواب
و آن که او پارسی است روزی دان	سرفرازی و نیک روزی دان

(سنایی، ۱۲۲: ۱۳۷۴)

عقیده قدما در باب تأثیر دین و نژاد در تعبیر رؤیا را می‌توان بر اساس فرضیه وجود "ناخودآگاهی تباری" که برخی معاصران مطرح می‌کنند، تفسیر و تحلیل کرد. بر اساس فرضیه "ناخودآگاهی تباری"، هر ملت و نژادی ناخودآگاهی‌ای دارد که با ناخودآگاهی اقوام و تبارهای دیگر متفاوت است و چون خاستگاه بعضی نمادها و رموز رؤیا، ناخودآگاهی تباری است، به ناچار معانی و تعبیر نماد واحد رؤیاهای دو نفر که متعلق به دو تبارند، متفاوت خواهد بود و به همین سبب، تعبیر خواب فرانسوی با تعبیر خواب ایرانی، در پاره‌ای موارد، یکسان نیست؛ کزازی درباره ناخودآگاهی تباری می‌نویسد:

«به همان سان که هر فرد در سنجش با دیگری از ناخودآگاهی ویژه برخوردار است که نمادهای فردی را پدید می‌آورد، هر تباری نیز می‌تواند ناخودآگاهی ویژه خویش داشته باشد که در سنجش با تباری دیگر، جدایی‌ها و تفاوت‌های آن آشکار خواهد شد... پاره‌ای از نمادهایی که خفته در رؤیا با آن‌ها روبروست، آفریده ناخودآگاهی تباری اویند» (کزازی، ۱۲۷: ۱۳۷۶).

بنابراین، به دلیل ناخودآگاهی تباری است که در خوابگزاری فرانسوی برای نمونه خلیدن خار در تن کسی به وراجی و دزیاد زنانه و در خوابگزاری ایرانی، به گرفتن وام تعبیر شده است (کزازی، ۱۲۹: ۱۳۷۶). و یا به قول سنایی، رؤیای نوشیدن شراب، برای عرب، تعبیر بد و برای ایرانی تعبیر بهروزی دارد.

۳.۲.۲. اختلاف صنعت: شغل و پیشه هر کسی نیز در محاکات قوه متخیله و در نتیجه در تعبیر خواب وی مؤثر است: «تأویل و تعبیر به اعتبار عادات و ادیان و صناعات است؛ زیرا که متخیله هر کس محاکات می‌کند، چیزی را که به آن الف و عادت گرفته باشد» (الهروی، ۲۰۸: ۱۳۵۸).

به همین دلیل، خوابگزار، در تعبیر رؤیای افراد، باید از حرفه آن‌ها آگاهی داشته باشد. ابن‌سیرین از قدیمی‌ترین خوابگزاران اسلامی در هنگام تعبیر خواب، از کار و پیشه بیننده رؤیا، سؤال می‌کرده است: شنیدم که پسر سیرین همچنین کردی و چون او را مسأله‌ای پرسیدند، زمانی اندرو اندیشه کردی و خداوند خواب را از حال تنش و از آن مردمانش و از کار و پیشه و آنچه بدین ماند، همی پرسیدی و هیچ چیز نهستی که دلیل بودی اندر خوابگزاردن الا که پرسیدی (خوابگزاری، ۱۷: ۱۳۴۶).

فخرالدین محمد رازی، در «جامع‌العلوم»، اطلاع از صنعت و حرفه شخص بیننده خواب را از شرایط خوابگزاری دانسته؛ چه تعبیر رؤیایی واحد در ارتباط با دو شخص که حرفه آن‌ها متفاوت است، مختلف خواهد بود؛ وی می‌نویسد: «در شرایط تعبیر کردن معبر را واجب بود که در چهار چیز نظر کند: اول آن که تعلق به بیننده خواب دارد، و آن را از چهار جهت است؛ زیرا که خواب که پادشاه بیند، تعبیر او غیر آن باشد که عالم بیند و تعبیر آن خواب در حق عالم غیر آن باشد که در حق عامی» (فخر رازی، ۹۹: بی‌تا).

بنابراین اگر زاهدی خلوت‌گزین و سپاهی، هر دو خواب شمشیر و نیزه بینند، تعبیر رؤیای آن‌ها متفاوت خواهد بود. رؤیت شمشیر و نیزه در خواب، برای سپاهی که بدین ابزار مانوس است، نیک روزی و برای زاهد گوشه‌گیر که بدین ابزار الفتی ندارد، نشان از تباهی حال است (یواقیت‌العلوم، ۱۹۴: ۱۳۴۵).

به جز توجه به نمادهای رؤیا و احوال بیننده خواب، مکان و زمان دیدن خواب هم در تأویل و تعبیر آن، مؤثر است؛ بنابراین، خوابگزار به هنگام تعبیر باید به آن‌ها نظر داشته باشد.

۳.۲.۳. اختلاف زمان و مکان

یکی از عواملی که باعث می‌شود تعبیر رمز و نمادی واحد، در چند رؤیا دگرگون شود، زمان و مکان است. برای نمونه دیدن نماد برف در زمان‌ها و مناطق مختلف، تعبیر یکسان ندارد. دیدن خواب در مناطق سردسیر، تعبیری سوازی آن در مناطق گرم دارد. در «تعبیر سلطانی» راجع به نقش آب و هوای هر منطقه در تعبیر رؤیا چنین آمده است:

باز آب و هوای هر کشور	کند البته اقتضای دگر
برف و باران به گرمسیر و باست	یخ در آن جا دلیل آفتهاست
هر سه در سردسیر مال بود	برف خود روزی حلال بود

همین نکته را باید در باب زمان و فصلی که رؤیا در آن دیده شده است، مورد ملاحظه قرار داد؛ چه «باید معبر بدانند که اشیاء در فصول مختلف، برخلاف یکدیگر تعبیر دارد، آتش را در زمستان تعبیری است و در تابستان تعبیری است» (راز شیرازی، ۲۱: بی‌تا).

در بحار الانوار، راجع به رؤیت برف و یخ در سرما در مکان و زمان خود و در غیر مکان و زمان خود، آمده است: «خوابگزاران گویند: تعبیر برف و تگرگ و یخندان، اندوه و عذاب است؛ مگر این که برف کم و در مکان و در فصل خودش باشد؛ در این صورت، برای مردم آن ناحیه، به نعمت و رفاه تعبیر می‌شود» (مجلسی، ۲۲۸: ۱۴۰۳).

در یواقیت‌العلوم حکایت معبری که رؤیای واحد شخصی را، در دو زمان، دو گونه تعبیر کرد، مشاهده می‌شود. با نقل این حکایت، مقاله را به پایان می‌آوریم:

«مردی، معبر را پرسید که چنان دیدم که با ماه سخن می‌گفتم و بدو نزدیک شده بودم؛ معبر گفت: اندر دریا سفر کنی. همچنان بود. آنگاه پس از آن سالی دیگر همان خواب را دید و همان مرد معبر را پرسید: گفت تو را بیماری دق افتد. گفت: این همان خواب است که دلیل سفر دریا کرد؛ چگونه اکنون دلیل بیماری کند؟ معبر گفت: زیرا آن وقت ماه پنج روزی بود بر مثال کشتی و

نزدیک شدن تو دلیل کرد که به کشتی اندر دریا سفر کنی و اکنون که این خواب دیدی از ماه، یک شب مانده است و سخت باریک و لاغر است؛ دلیل بیماری باریک، کند و عاقبت چنان افتاد» (یواقیت‌العلوم، ۱۹۷: ۱۳۴۵).

نتیجه‌گیری

رؤیا و تعبیر آن، از موضوعاتی است که در طول تاریخ، راجع بدان فرضیاتی ارائه شده است. امروزه نیز دانش روانکاوی برای رؤیا، ارزش خاصی قائل شده و آن را از راه‌های شناخت گره‌های روانی و درمان می‌داند. نتیجه حاصل از بررسی منابع و قواعد تعبیر رؤیا در متون عرفانی و حکمی این است که قواعد تدوین شده برای تعبیر رؤیا، نسبی‌اند و اصولاً نمی‌توان برای یک نماد معنایی که در همه شرایط مفهوم یکسان داشته باشد، قائل شد. نتیجه دیگری که از این مقاله به دست می‌آید، این است که اگر چه بنیان تحلیل روانکاوان امروزی از رؤیا، با بنیان تعبیر خوابگزاران اسلامی، متفاوت است، باز موارد تشابه میان پاره‌ای از مکاتب روانکاوی امروز با مکتب خوابگزاری اسلامی، در بعضی زمینه‌ها دیده می‌شود. استخراج و تدوین این موارد، البته به پژوهشی دراز آهنگ نیاز دارد و خود موضوع رساله‌ای تواند بود.

یادداشت‌ها

۱. «فاما التعبير من القرآن فكالبیض يعبر عنها بالنساء لقوله تعالى كانهن بیض مكنون و كالحجاره يعبر عنها بالقساوه لقوله تعالى: ثم قست قلوبكم من بعد ذلك فهی كالحجاره أو أشد قسوه و...» (ابن‌سیرین، ۲: ۱۳۱۵).
۲. «و قال اصحاب التعبير... والثلج والبرد والجلید هم و عذاب الا ان يكون الثلج قليلا فی موضعه و حینه فیکون خصباً لاهل ذلك الموضع» (مجلسی، ۲۲۸: ۱۴۰۳).

منابع

قرآن مجید

- ابرقوهی، اسماعیل بن نظام‌الملک. (بی‌تا). **تعبیر سلطانی**، (نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).
- ابن‌خلدون، عبدالرحمن. (۱۳۷۵). **مقدمه ابن‌خلدون**، ترجمه محمدپروین گنابادی، تهران: انتشارات فرهنگی و علمی.
- ابن‌سیرین، محمد. (۱۳۱۵ هـ. ق). **تعبیر الرؤیا**، مصر: المطبعة الحمیدیه.
- ابن‌سینا، حسین. (۱۳۳۱). **طبیعیات دانشنامه علایی**، تصحیح سید محمد مشکوه، تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- تفلیسی، حبیبش. (۱۳۶۹). **کامل‌التعبیر**، تصحیح و برگردان سید عبدالله موسوی، قم: فؤاد.
- _____ . (۱۳۸۰). **کامل‌التعبیر**، ویرایش مسعود هاشمی، تهران: انتشارات فرهنگی جامع.
- حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۹). **گزیده رسائل اخوان‌الصفاء**، تهران: اساطیر.
- خوابگزاری. (۱۳۴۶). به تصحیح ایرج افشار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- دانش‌پژوه، محمدباقر. (۱۳۴۵). **یواقیت‌العلوم**، (۱۳۴۵). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- راز شیرازی، ابوالقاسم. (بی‌تا). **منامیه**، ناشر حاج شمس‌الدین پرویزی.
- رازی، فخرالدین محمدبن‌عمر. (۱۳۵۴). **التحییر فی علم‌التعبیر**، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ . (بی‌تا). **جامع‌العلوم**، بی‌تا.

- ریزی، اسماعیل بن محمد. (۱۳۶۹). *حیات النفوس*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ستاری، جلال. (۱۳۶۶). *رمز و مثل در روانکاوی*، تهران: توس.
- سنایی، مجدود بن آدم. (۱۳۷۴). *حدیقه الحقیقه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شیرازی، قطب الدین. (۱۳۶۵). *دره التاج*، به کوشش سید محمد مشکوه، تهران: حکمت.
- غزالی، محمد. (۱۱۱۹). *مقاصد الفلاسفه*، تحقیق دکتر سلیمان دنیا، مصر: دارالمعارف.
- فروم، اریک. (۱۳۶۶). *زبان از یاد رفته*، ترجمه ابراهیم امانت، تهران: مروارید.
- قرطبی، یوسف بن عبدالله. (بی تا). *بهجه المجالس و انس المجالس*، تحقیق محمد موسی الخولی، بیروت: دارالکتاب العربی.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۶۳). *هدیه الاحباب*، تهران: امیرکبیر.
- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۷۶). *رؤیا، حماسه، اسطوره*، تهران: نشر مرکز.
- گنابادی، سلطانعلی شاه. (۱۳۱۸). *تنبیه النائمین*، چاپخانه مجلس.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- _____ . (بی تا). *تعبیر خواب*، به اقدام سیدعلی کتابفروشی شیرازی.
- مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۷۹). *مثنوی*، به اهتمام رینولدالین نیکلسون، تهران: امیرکبیر.
- هروی، نظام الدین احمد. (۱۳۵۸). *انواریه*، تهران: امیرکبیر.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۷). *تحلیل رؤیا*، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر افکار.
- _____ . (۱۳۷۷). *انسان و سمبول هایش*، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی.
- _____ . (۱۳۸۰). *انسان در جستجوی هویت خویش*، ترجمه محمد بهفروزی، تهران: گلبن.